

تحلیل تعادل منطقه‌ای بر مبنای شاخص‌های ترکیبی نظریه مرکز-پیرامون و گردشگری پایدار (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی)*

مهندس زینب میرسندسی**، دکتر بهناز امین‌زاده***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

چکیده

یکی از مسائل مهم منطقه‌ای، عدم توجه به توان‌های درونی منطقه و در نتیجه وابستگی آنها به مناطق هم‌جوار است، در حالی که خود دارای توان و ظرفیت‌های محیطی برای فعالیت‌هایی مانند گردشگری می‌باشند. گردشگری پایدار ابزاری قوی برای توسعه مناطق و تعادل بخشی آنها محسوب می‌شود. هدف این پژوهش بررسی چگونگی استفاده از پتانسیل‌های گردشگری پایدار منطقه در ترکیب با نظریه برنامه‌ریزی مرکز-پیرامون برای سنجش و ایجاد تعادل منطقه‌ای است. بدین منظور با استفاده از روش فرا تحلیل، مدل مفهومی پژوهش و شاخص‌ها تدوین گردیده و در ادامه با استفاده از دو روش تحلیل عاملی و تحلیل‌نمایی شهرستان‌های خراسان رضوی سطح‌بندی شده و تعادل منطقه‌ای بر مبنای توان گردشگری پایدار سنجیده شده است و با استفاده از نرم‌افزار GIS بر روی نقشه استان نمایش داده شده است. نتایج تحقیق شامل ارائه مدل مفهومی در سنجش تعادل منطقه یا توجه به توان گردشگری پایدار است. یافته‌های پژوهش در نمونه مطالعه نشان می‌دهد که استان خراسان رضوی از تعادل منطقه‌ای در استفاده از پتانسیل‌های پایدار گردشگری برخوردار نیست.

واژه‌های کلیدی

تعادل بخشی منطقه‌ای، گردشگری پایدار، تحلیل عاملی، تحلیل خوشه‌ای، استان خراسان رضوی.

* مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد زینب میرسندسی با عنوان «تعادل بخشی به توسعه‌های منطقه‌ای با استفاده از توان‌های گردشگری پایدار (مورد مطالعه: استان خراسان رضوی)» به راهنمایی سرکار خانم دکتر بهناز امین‌زاده در دانشگاه تهران است.

Email: z.mirsondosi@yahoo.com

Email: Bgohar@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران .
*** استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران. (مسئول مکاتبات)

مقدمه

دسته دوم شامل پژوهش‌هایی است که در زمینه گردشگری پایدار و گردشگری منطقه‌ای کار کرده و به توسعه نیز توجه داشته‌اند. به‌طور مثال ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) بر روی سازوکار برنامه‌ریزی برای گردشگری تحقیق کرده‌اند. و تو^۳ به چگونگی بهره‌گیری از دیدگاه‌های جدید در گردشگری پایدار پرداخته است (Vojtko, 2015). همچنین در مطالعه‌ای، استراتژی بلندمدت گردشگری پایدار در ارتباط با توسعه یکپارچه منطقه استفاده شده است (Neamtu&Neamtu, 2012). در این دسته، سرائی و همکاران (۱۳۸۹) نیز به موضوع توسعه منطقه‌ای با استفاده از گردشگری پایدار پرداخته و آن را در استان سیستان و بلوچستان مورد ارزیابی قرار داده‌اند. ایشان معتقدند که منطقه‌ای کردن گردشگری با توجه به ظرفیت‌های هر منطقه می‌تواند به توسعه مناطق منجر شود. در همین زمینه کوپیلا^۴ نیز به بررسی و بحث در مورد چگونگی توسعه صنعت گردشگری برای ایجاد توسعه منطقه‌ای پرداخته‌اند. آنها با پیشنهاد مدل فضایی-عملکردی برای افزایش توسعه منطقه‌ای مثبت در سطح محلی، بر یک همکاری پایدار کارکردی بین صنایع در چهارچوب مرکز-پیرامون تأکید نموده‌اند (Kauppila et al., 2009). نی^۵ و همکاران نیز در پژوهشی با موضوع برنامه‌ریزی راهبردی گردشگری منطقه‌ای، به بررسی و تحلیل پتانسیل‌ها و کمبودهای گردشگری منطقه‌ای پایدار و همچنین ارائه برنامه توسعه گردشگری منطقه‌ای پرداخته و در نهایت برنامه موردنظر برای گردشگری منطقه‌ای را ارائه نموده‌اند (Nabi et al., 2016).

گروه سوم که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش حاضر دارند، شامل پژوهش‌هایی هستند که در زمینه گردشگری پایدار منطقه به دنبال ایجاد تعادل و یا سنجش تعادل در منطقه بوده‌اند. «بولین»^۶ و همکاران، موضوع توسعه منطقه‌ای به‌وسیله گردشگری و تغییرات فضایی گردشگری در سوئد را تحلیل کرده‌اند و به این سؤال پرداخته‌اند که آیا سیاست‌های گردشگری می‌تواند به کاهش اختلاف بین مناطق کمک کند (Bohlin et al., 2016). در مطالعه‌ای دیگر مناطق از نظر ایجاد تعادل از طریق گردشگری مورد مطالعه قرار گرفته و برای هر کدام از ۲۱ منطقه مورد مطالعه مجموعه‌ای از اصول و استراتژی‌ها ارائه شده است (Wray et al., 2017).

هدف پژوهش حاضر، ارزیابی میزان تعادل منطقه‌ای بر اساس توسعه گردشگری در منطقه است. پرسش اصلی پژوهش آن است که چگونه می‌توان از رویکرد گردشگری پایدار در تلفیق با نظریه مرکز-پیرامون بهره برد تا با کمک آن بتوان تعادل منطقه‌ای را ارزیابی نمود.

بنا بر اطلاعات مندرج در سالنامه مرکز آمار ایران، در بهار سال ۱۳۹۶ تعداد کل سفرهای ایران در حدود ۱۰۰ میلیون سفر بوده است و در این میان استان خراسان رضوی بیش از ۸ میلیون سفر را پذیرا بوده است

تحقیقات انجام‌شده در خصوص تعادل منطقه‌ای در ایران و روند آن نشان‌دهنده سیر نزولی تعادل‌ها در سال‌های اخیر است. ایران تا قبل از قرن حاضر از نظام شهری نسبتاً متعادلی برخوردار بوده است، اما در شش دهه اخیر توسعه سرمایه‌داری در چهارچوب اقتصادی متکی بر نفت باعث عدم تعادل فضایی نظام شهری کشور گردیده است. از طرف دیگر تعادل فضایی نظام شهری در سطح ملی در گروه تعادل فضایی در سطح منطقه‌ای است (تقوائی، کنعانی، ۱۳۹۳، ۱۶۹). برای مواجهه با این مشکل اولین گام سنجش میزان تعادل براساس یک مبنای کاربردی در هر منطقه، با توجه به ویژگی‌های آن است. عدم تعادل میان مراکز شهری در زمینه‌های مختلف توسعه، موجب برهم خوردن نظم فضایی سکونتگاه‌ها از یک‌سو و رشد شتابان و بی‌رویه بعضی از شهرهای درجه اول گردیده است (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۹).

عدم تعادل فضایی در استان‌های مختلف کشور نظیر استان هرمزگان، استان بوشهر (تقوائی و کنعانی، ۱۳۹۳، ۱۷۲)، استان اردبیل، استان فارس (امان‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۹) و وجود تسلط نخست‌شهری در نظام شهری استان خوزستان و گرایش شهر اهواز به تمرکز و برتری در سطح منطقه (امان‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ۵۴) نیز گواه وجود عدم تعادل منطقه‌ای در مناطق مختلف کشور است. تلاش برای شناخت عدم تعادل‌های موجود و ریشه آن اولین گام در جهت رفع آنها است. ریشه ایجاد عدم تعادل در هر منطقه می‌تواند متفاوت از مناطق دیگر باشد. یکی از راهکارهای مناسب عنوان شده، توجه به ظرفیت‌های درونی منطقه، از جمله توان گردشگری است. گردشگری در یک منطقه قطبی قوی برای جذب سرمایه‌های لازم برای توسعه را فراهم می‌کند؛ اما باین حال اگر تمام امکانات در یک نقطه متمرکز شود موجب ایجاد عدم تعادل خواهد بود. از این رو می‌توان با سنجش میزان بهره‌گیری از ظرفیت‌های گردشگری در مناطق مستعد و با ارزیابی صحیح به میزان و کیفیت تأثیر گردشگری در ایجاد تعادل منطقه‌ای پی برد.

در رابطه با موضوع گردشگری و توسعه و تعادل منطقه‌ای پژوهش‌های انجام‌شده را می‌توان در سه گروه مورد بررسی قرارداد. گروه اول که بیشترین فراوانی را نیز داراست، شامل پژوهش‌هایی است که در زمینه تعادل منطقه‌ای صورت گرفته و کمترین ارتباط را با گردشگری پایدار دارند. در این زمینه تقوائی و کنعانی (۱۳۹۳) وضعیت تعادل فضایی نظام شهری را بررسی نموده‌اند. تبریزی و همکاران (۱۳۹۲) تحلیل عدم تعادل فضایی و ارائه اولویت‌های توسعه و تعادل بخشی را مطالعه کرده‌اند. کوات^۱ تعادل در توسعه منطقه‌ای را مورد تحلیل قرار داده است (Kwat, 2017)؛ و نیز راجرسون^۲ اولویت‌های تعادل بخشی در مناطق را بررسی کرده است (Rogerson, 2015).

که این رقم هشت درصد کل سفرهای کشور است. این تعداد سفر شامل نزدیک به ۲۳ میلیون نفر، مسافر می‌شود و این مقدار از تعداد سفر ۷ میلیونی پایتخت نیز بیشتر است. این آمار به خوبی نشان از پتانسیل بالای گردشگری و جذب مسافر در این استان است. با این وجود علی‌رغم تعداد بالای سفرها به این استان، بیش از نیمی از این سفرها تنها به مرکز استان، یعنی شهر مشهد جذب می‌شوند و سرمایه‌ها و امکانات نیز به سمت مرکز سوق پیدا کرده و می‌تواند موجب ایجاد عدم تعادل در استان گردد. لذا سنجش و تحلیل عدم تعادل‌ها می‌تواند روشنگر وضعیت برخورداری شهرستان‌ها و نیز تعیین‌کننده مسیر برنامه‌ریزی صحیح برای استان باشد.

استان خراسان رضوی که سالیانه پذیرای میلیون‌ها نفر گردشگر است به‌عنوان نمونه مطالعه این پژوهش در نظر گرفته شده است. ظرفیت زیاد استان برای گردشگری در صورت بهره‌گیری صحیح می‌تواند امکانات وسیعی در جهت تعادل بخشی در توسعه استان به وجود آورد. این در حالی است که فشار شدید بر کلان‌شهر مشهد و عدم استفاده از سایر نقاط مستعد استان، سبب شده تا گردشگری به‌مثابه عامل مهمی در از بین رفتن تعادل منطقه‌ای عمل کند.

مبانی نظری پژوهش

تعادل بخشی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی برای آن

نظریه‌های موجود در زمینه نظام شهری و بررسی تعادل منطقه‌ای دارای طیف گسترده زمانی و مکانی هستند. از جمله نظریه نئوکینزی یا پایه اقتصادی، نظریه قطب رشد، نظریه مرکز-پیرامون و نظریه استراتژی شبکه منطقه‌ای. اما در این میان نظریه‌ای که شاید بهتر بتواند در راستای تعادل بخشی با بهره‌گیری از توان‌های درون منطقه از عنصری مانند گردشگری به‌عنوان ابزاری برای متعادل کردن مناطق بهره‌گیر، نظریه مرکز-پیرامون^۷ فریدمن^۸ است. فریدمن با تقسیم نظام فضایی یک محدوده به دو قسم، مراکز عمده تغییرات را مناطق اصلی و «مرکز» نام می‌نهد و در مقابل همه مناطق دیگر سیستم فضایی را حواشی آن تعریف می‌کند و آن را «پیرامون» می‌نامد. وی سپس عنوان می‌کند که این محیط به‌وسیله ارتباط آن با وابستگی به مرکز تعریف می‌شود و محدوده به‌طور کلی یک سیستم مکانی فضایی است که در آن رابطه بر مبنای وابستگی بوده و مرکز بر پیرامون سلطه‌گر و متمرکز است. فریدمن معتقد است که توسعه، تمایل به گسترش در خارج از مراکز و به مناطقی که در آن احتمال تعامل بالقوه پایین است دارد (Friedmann, 1967). نظریه فریدمن از این جهت که در آن جذب سرمایه به مناطق پیرامونی و ایجاد روابط ساختاری دوسویه میان مرکز و پیرامون و ایجاد نظام بالغ اقتصادی مورد تأکید است در

بحث تعادل بخشی از اهمیت بالایی برخوردار است. روابط ساختاری که در مدل مرکز-پیرامون تعریف شده به آن توانایی مطرح شدن به‌عنوان رویکردی قوی را بخشیده است. بر این اساس در این نوشتار تمرکز اصلی بر این نظریه خواهد بود. این نظریه این‌گونه بیان می‌شود که «سازمان اقتصادی هر فضای ملی در جریان حرکت خویش از حالت پیش‌صنعتی به حالت بلوغ تحول می‌یابد که در این حالت توسعه به اطراف شروع می‌گردد» (زبردست و رحمانی، ۱۳۹۵، ۱۴۶). فریدمن اشاره می‌کند که مناطق مرکزی تمایل دارند که بر تصمیم‌گیری‌های مراکز پیرامونی تأثیرگذار باشند (به نقل از Wu, 2017). او سازمان اقتصادی فضایی را متشکل از دو عنصر، یک منطقه اصلی مرکزی و یک حاشیه تعریف می‌کند. این دو عنصر در مورد ویژگی‌های منطقه‌ای بودند که در آن مناطق اصلی به‌عنوان اقتصادهای شهری با پتانسیل بالا برای نوآوری و رشد شکل گرفتند؛ از سوی دیگر، مناطق پیرامونی با رشد اقتصادی یا رکود روبرو شده‌اند و با گذشت زمان، بر رشد تأثیر می‌گذارند که عمدتاً به دلیل تقاضای منابع اصلی منطقه است (Moore, 1994). لذا مؤلفه‌های ویژگی‌های جمعیتی، زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی، قابلیت‌های زیست‌محیطی و برنامه زیست‌محیطی در این نظریه آشکار هستند. این دیدگاه تأثیر زیادی بر ادبیات تعادل منطقه‌ای داشته و در واقع رفع عدم تعادل منطقه‌ای و تعادل بخشی نیز تا حد زیادی به معنای تقویت مناطق پیرامونی و جذب سرمایه‌ها به آن به‌جای مرکز در نظر گرفته شده است.

گردشگری پایدار ابزاری برای تعادل بخشی منطقه‌ای

گردشگری به‌عنوان ابزار مؤثر انتقال ثروت و سرمایه‌گذاری از بخش ثروتمند و توسعه‌یافته به مناطق کمتر توسعه‌یافته و فقیرتر دیده می‌شود. گردشگری از جنبه‌های گوناگونی می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد، چراکه گردشگری دارای اثرات اجتماعی، طبیعی و اقتصادی مختلفی است (Sharpley, 2002). گردشگری می‌تواند به‌گونه‌ای عمل کند که ثروت از مناطق غنی به مناطق فقیر بازپخش گردد. یکی از عوامل اصلی موفقیت در استفاده از گردشگری برای اهداف توسعه منطقه‌ای این است که مزایای گردشگری در سراسر منطقه اطراف گسترش یابد (Telfer, 2002). علاوه بر این، گردشگری می‌تواند منجر به مدرن‌سازی در مناطق پیرامونی شود، اما به‌منظور انجام این کار، منطقه به‌طور کلی باید از اقتصاد گردشگری بهره‌مند شود (Rogerson, 2015, 281). گردشگری زمانی پایدار است که دارای اقتصاد بادوام و متّرقی باشد و منابعی که آینده گردشگری بدان وابسته است، به‌ویژه محیط فیزیکی و بافت اجتماعی جامعه میزبان را تخریب نکند (Swarbrooke, 1999) به نقل از: Vojtko, 2015.

نظریه مرکز-پیرامون با تغییر رابطه مرکز و پیرامون و ایجاد رابطه دوسویه مدنظر فریدمن، سرمایه از مرکز به مناطق پیرامونی جریان می‌یابد و در نتیجه، می‌تواند به رشد آنها کمک کند و عمده این جریان سرمایه‌ای نیز بر پایه اقتصاد مناطق قرار دارد. از این رو، گردشگری به‌عنوان یک ابزار اقتصادی قوی در جذب سرمایه می‌تواند بهترین کارکرد را برای تقویت پیرامون و تعادل بخشی به پیرامون داشته باشد. شکل ۱ نشان می‌دهد که ابعاد گردشگری اجتماعی و اقتصادی و زیست‌محیطی پایدار چگونه با شاخص‌های مؤلفه‌های نظریه مرکز-پیرامون ترکیب می‌شوند. مؤلفه‌های نظریه مرکز-پیرامون که از مبانی نظری به‌دست آمده‌اند شامل ساختار اقتصاد، پتانسیل‌های اقتصادی، ویژگی‌های جمعیتی، زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی، قابلیت‌های زیست‌محیطی و برنامه زیست‌محیطی هستند که این مؤلفه‌ها شکل‌دهنده شاخص‌های به‌دست آمده از نظریه خواهند بود؛ بنابراین در شکل ۱ با تشریح ابعاد گردشگری پایدار منطقه‌ای، مؤلفه‌های نظریه مرکز-پیرامون ذیل این ابعاد قرار گرفته‌اند. لذا شکل که شامل مدل مفهومی پژوهش است، بیانگر چگونگی تلفیق گردشگری پایدار منطقه‌ای با نظریه مرکز-پیرامون است.

مدل مفهومی فوق نیازمند استخراج شاخص‌هایی است که برای تشخیص تعادل منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به مدل

3). هدف موردنظر توسعه منطقه‌ای، لزوماً با نتایج صنعت گردشگری به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی، مشابه نیست؛ زیرا در بسیاری موارد بر اولویت‌های غیر محلی استوار است (Rogerson, 2015, 281). نکته دیگر سنجیدن ارتباط میان برنامه‌ریزی گردشگری با مقیاس‌های توسعه است. نظریات گوناگونی در خصوص لزوم و یا عدم‌لزوم تبعیت برنامه گردشگری از برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای وجود دارد؛ برخی معتقدند گردشگری بخشی مجزاست، اما اغلب تأکید دارند که گردشگری باید به‌عنوان جزئی از برنامه توسعه منطقه مدنظر قرار گیرد. به‌طور مثال نامتو می‌گوید «رسیدن به یک طرح گردشگری پایدار باید از برنامه ملی توسعه اقتصادی و اجتماعی تبعیت کند. اقدامات می‌تواند شامل اقتصاد (رشد درآمد، تنوع و ادغام فعالیت‌ها و منطقه بندی توسعه)، اجتماعی (بهبود درآمد نابرابری توزیع، حفاظت اجتماعی و فرهنگی از میراث بومی و مشارکت جوامع محلی) و یا زیست‌محیطی (حفاظت از اکوسیستم‌ها، حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی) باشد» (Neamtu&Neamtu, 2012, 185).

ارتباط میان گردشگری و توسعه مناطق رابطه‌ای قوی است؛ بنابراین گردشگری می‌تواند در تعادل منطقه‌ای نقشی پررنگ داشته باشد. در گردشگری پایدار تمرکز باید بر رشد اقتصادی در کنار توجه ویژه به حفظ منابع و محافظت از محیط باشد. از طرف دیگر بر اساس



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

مفهومی پژوهش و بر اساس ادبیات نظری و مطالعات تجربی تحقیق، شاخص‌های گردشگری پایدار منطقه‌ای با تأکید بر نظریه مرکز-پیرامون در جدول ۱ ارائه شده است.

یافته‌های پژوهش

تدوین شاخص‌های ترکیبی

از میان شاخص‌های متعدد موجود، شاخص‌های مورد استفاده با توجه به میزان در دسترس بودن داده‌های مورد نیاز با استفاده از سالنامه آماری استان در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۰ انتخاب شده‌اند. همان‌طور که پیش‌ازین ذکر شد، برای انجام مدل تحلیل عاملی از نرم‌افزار Excel و SPSS استفاده شده است. در جدول ۲، فهرست شاخص‌ها و واحد اندازه‌گیری آنها آمده است. داده‌های هر شاخص برای شهرستان‌ها در ماتریس داده‌ها جمع‌آوری شده و سپس مورد سنجش قرار می‌گیرند. برای سنجش مناسب بودن تعداد داده‌ها و کفایت نمونه‌گیری، از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شده است. شاخص

روش و ابزار پژوهش

برای ترکیب و تلفیق شاخص‌های تعادل بخشی منطقه‌ای و گردشگری پایدار جهت تحلیل منطقه و همچنین کاهش تعداد متغیرها از روش تحلیل عاملی استفاده شده است؛ بنابراین با استفاده از روش تحلیل ثانویه، ابتدا شاخص‌های مورد نیاز سنجش با روش تحلیل عاملی و بر اساس داده‌های نمونه مطالعاتی بومی‌سازی شده و سپس با روش تحلیل خوشه‌ای، شهرستان‌های استان خراسان رضوی بر اساس میزان تعادل منطقه‌ای بر مبنای اثر گردشگری پایدار بر آنها سطح‌بندی می‌شوند. در نتیجه استفاده از این مدل‌ها، تحلیل منطقه بر اساس نتایج

جدول ۱. شاخص‌های گردشگری پایدار منطقه‌ای با تأکید بر نظریه مرکز-پیرامون

ابعاد	حوزه	شاخص‌ها	پیشینه پژوهشی
اقتصادی	ساختار اشتغال	نرخ اشتغال یا بیکاری؛ نسبت شاغلان بخش خدمات به کل شاغلان؛ نسبت شاغلان بخش صنعت به کل شاغلان؛ نسبت شاغلان بخش کشاورزی به کل شاغلان.	زبردست، حق‌روستا (۱۳۹۴) (Moore, 1994) (Ivanna, 2015)
	جذابیت سرمایه‌گذاری	وضعیت بخش خدمات زیرساخت؛ تأمین مالی منطقه.	زبردست، حق‌روستا (۱۳۹۴) (Ivanna, 2015)
	پتانسیل گردشگری	مجموع سفرهای گردشگری؛ گرایش مدیران به ایجاد شغل از توسعه گردشگری.	زبردست، حق‌روستا (۱۳۹۴) (Rogerson, 2015) (Nabi et al., 2016) (Ivanna, 2015)
	عدالت و رفاه اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی	توزیع درآمد؛ مدت اقامت؛ کاهش فقر و فقرزدایی؛ جذب شاغلان ماهر و صلاحیت‌دار در گردشگری؛ افزایش حمایت از سرمایه‌گذاران کوچک محلی.	افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)؛ ضیاءآبادی و همکاران (۱۳۹۵)؛ اکبری سامانی و همکاران (۱۳۹۲)؛ (Teha & Cabanban, 2007) (Miller, 2001) (Sharpley, 2002) (Telfer, 2002)
اجتماعی-فرهنگی	ویژگی‌های جمعیتی	تعداد کل جمعیت؛ تراکم جمعیت؛ تعداد مهاجران وارد شده منهای تعداد مهاجران خارج شده به ازاء هر هزار نفر.	زبردست، حق‌روستا (۱۳۹۴)؛ تبریزی و همکاران (۱۳۹۲)؛ تقوایی، کنعانی (۱۳۹۳)؛ (Nabi et al., 2016) (Telfer, 2002) (Nared, 2017)

ادامه جدول ۱. شاخص‌های گردشگری پایدار منطقه‌ای با تأکید بر نظریه مرکز-پیرامون

ابعاد	حوزه	شاخص‌ها	پیشینه پژوهشی	
اجتماعی-فرهنگی	زیرساخت اجتماعی و فرهنگی	نرخ باسوادی؛ تعداد صندلی‌های سینما به ازاء هر هزار نفر.	زبردست و حق‌روستا (۱۳۹۴)؛ تبریزی و همکاران (۱۳۹۲)	
	وضعیت بهداشتی	تعداد تخت‌های بیمارستانی به ازاء هر هزار نفر؛ تعداد پزشک به ازاء هر هزار نفر.	زبردست، حق‌روستا (۱۳۹۴)؛ تبریزی و همکاران (۱۳۹۲)	
	ارزش‌های گردشگری	تعداد نمایشگاه‌ها و رویدادها در طول سال؛ جاذبه‌های گردشگری؛ رضایت گردشگران.	(Ivanna, 2015) سرائی و همکاران (۱۳۸۹) (Vojtko, 2015)	
	خدمات زیرساختی	تعداد فروشگاه‌ها تا ۱۰ هزار نفر؛ تعداد بانک‌ها و دفاتر مبادله تا ۱۰ هزار.	(Ivanna, 2015) زبردست، حق‌روستا (۱۳۹۴)	
	تعامل اجتماعی	فرهنگ محلی غنی و صنایع‌دستی متنوع و جذاب؛ مشارکت مردم در اجرای برنامه‌های گردشگری؛ رعایت احترام به میهمان.	(Nabi et al., 2016) اکبری سامانی و همکاران (۱۳۹۲) افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)	
	رضایت جامعه محلی و رفاه اجتماعی	ماندگاری افراد محلی ناشی از اشتغال‌زایی گردشگری؛ رضایت ساکنان محلی از ورود خدمات و زیرساخت‌های جدید ناشی از گردشگری.	اکبری سامانی و همکاران (۱۳۹۲) (Teha & Cabanban, 2007) (weaver, 2006) (McCool & Bosak, 2016)	
	زیست‌محیطی	شرایط محیطی و ملاحظات زیست‌محیطی	سرانه فضای سبز؛ مساحت پارک‌های عمومی؛ تنوع محیط‌های طبیعی و مناظر جغرافیایی.	زبردست و حق‌روستا (۱۳۹۴) (Nabi et al., 2016) (Ivanna, 2015) (Sharpley, 2002) (Telfer, 2002)
		برنامه‌ریزی زیست‌محیطی و جاذبه محیطی	تولید و مدیریت مواد زائد؛ مدیریت سیستم فاضلاب؛ تقویت آگاهی‌های زیست‌محیطی.	افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)؛ ضیاءآبادی و همکاران (۱۳۹۵)؛ (Teha & Cabanban, 2007)

کند و هر کدام به‌تنهایی نیز حداقل بتوانند ۱۰ درصد تغییرات را تبیین نمایند. چنانچه در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ۵ عامل قابل استخراج است که مقدار ویژه بالاتر از ۱ داشته و سایر شرایط را نیز پوشش دهند. درصد تبیین تغییرات داده‌ها در این جدول آمده است. در جدول ۵ ماتریس عاملی دوران یافته و امتیاز بار عاملی مربوط به هر متغیر برای هر یک از عوامل که بالای ۰/۵ بوده است، ارائه گردیده است. بر اساس نتایج حاصل از روند فوق، عوامل به‌دست‌آمده نهایی در ادامه نام‌گذاری شده و اساس شروع تحلیل خوشه‌ای برای سطح‌بندی شهرستان‌ها را تشکیل می‌دهند.

KMO مشخص می‌کند که آیا واریانس متغیرهای تحقیق تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی است یا خیر. مقدار عددی این شاخص بین صفر و یک نوسان دارد. آزمون بارتلت کمک می‌کند تا پس از فراهم بودن امکان تقلیل داده‌ها به یک سری عامل‌های پنهانی، بتوان ساختار جدیدی را بر اساس همبستگی بین متغیرها و عامل‌ها و معنای آنها کشف نمود. در جدول ۳، نتیجه آزمون بارتلت و شاخص KMO نشان داده شده است. در ادامه برای تعیین تعداد عوامل استخراج‌شده باید توجه کرد که بر اساس متون نظری، آن تعداد از عوامل موردقبول است که مقدار ویژه آنها بزرگ‌تر از یک باشد، حداقل ۶۰ درصد تغییرات داده‌ها را تبیین

جدول ۲. شاخص‌های استفاده‌شده برای تدوین شاخص‌های ترکیبی

واحد	شاخص
درصد	نرخ اشتغال - جمعیت شاغل به فعال
درصد	نسبت شاغلان بخش خدمات به کل شاغلان
درصد	نسبت شاغلان بخش صنعت به کل شاغلان
درصد	نسبت شاغلان بخش کشاورزی به کل شاغلان
نفر	تعداد کل جمعیت
تعداد در کیلومترمربع	تراکم جمعیت
نفر	تعداد مهاجران واردشده طی ۵ سال گذشته
درصد	نسبت منطقه جنگلی در کل منطقه
تعداد	تعداد نمایشگاه‌ها و رویدادها در طول سال در منطقه
درصد	درصد مساحت مناطق جنگلی
هکتار	وسعت فضای سبز
درصد	سرانه فضای سبز
تعداد	تعداد پارک‌های عمومی
مترمربع	مساحت پارک‌های عمومی
تعداد	تعداد اقامتگاه‌های عمومی و کارگاه‌های صرف غذا و نوشیدنی
تعداد	تعداد سینماها
تعداد	تعداد جاذبه‌های گردشگری

جدول ۳. نتیجه آزمون بارتلت و KMO

KMO and Bartlett's Test	
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	.721
Bartlett's Test of Sphericity sig.	.000

جدول ۴. تعیین تعداد عوامل بر اساس مقدار ویژه و درصد واریانس توصیف‌شده به‌وسیله هر عامل

Total Variance Explained			Component
Initial Eigenvalues		Total	
Cumulative%	% of Variance		
54.702	54.702	9.299	1
71.062	16.359	2.781	2
83.035	11.973	2.035	3
90.670	7.635	1.298	4
94.228	3.558	.605	5

جدول ۵. ماتریس عاملی دوران یافته

Rotated Component Matrix					
Component					
۵	۴	۳	۲	۱	
				۰/۹۹۶	تعداد اقامتگاه‌های عمومی و غیره
				۰/۹۹۴	تعداد کل جمعیت
				۰/۹۹۱	تعداد پارک‌های عمومی
				۰/۹۹۰	تعداد سینماها
				۰/۹۸۹	تعداد مهاجران وارد شده طی ۵ سال گذشته
				۰/۹۷۳	تراکم جمعیت
				۰/۹۴۷	تعداد نمایشگاه‌ها و رویدادها در طول سال در منطقه
				۰/۹۴۵	وسعت فضای سبز
				۰/۹۱۶	مساحت پارک‌های عمومی
			۰/۹۷۷		نسبت شاغلان بخش خدمات به کل شاغلان
			۰/۹۷۳		نسبت شاغلان بخش صنعت به کل شاغلان
			۰/۹۵		نسبت شاغلان بخش کشاورزی به کل شاغلان
		۰/۹۶۷			نسبت منطقه جنگلی در کل منطقه
		۰/۹۴۸			درصد مساحت مناطق جنگلی
	۰/۹۳۲				سرانه فضای سبز
	۰/۷۳۸				تعداد جاذبه‌های گردشگری
۰/۸۴۲					نرخ اشتغال

تخلیل یافته‌ها

دارای ارتباط بالا و معناداری با این متغیرهاست: نسبت شاغلان بخش خدمات به کل شاغلان، نسبت شاغلان بخش صنعت به کل شاغلان، نسبت شاغلان بخش کشاورزی به کل شاغلان؛ بنابراین این عامل را می‌توان به‌منزله عامل اشتغال و تقسیم‌بندی‌های شغلی در نظر گرفت و آن را «عامل اشتغال» نام نهاد.

عامل سوم: این عامل ۹۷/۱۱ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. باملاحظه ماتریس عاملی دوران یافته ملاحظه می‌گردد که این عامل دارای ارتباط بالا و معناداری با این متغیرهاست: نسبت منطقه جنگلی در کل منطقه و درصد مساحت مناطق جنگلی. بر این اساس این عامل بیانگر «وضعیت محدوده‌های جنگلی» در منطقه است.

عامل چهارم: این عامل ۶۳/۷ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. باملاحظه ماتریس عاملی دوران یافته می‌توان دریافت که این عامل دارای ارتباط بالا و معناداری با این متغیرهاست: سرانه فضای سبز و تعداد جاذبه‌های گردشگری؛ بنابراین می‌توان از آن به‌عنوان

عامل نخست: این عامل ۷/۵۴ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد و بیشتری سهم را در تبیین واریانس دارد. با ملاحظه ماتریس عاملی دوران یافته ملاحظه می‌گردد که این عامل دارای ارتباط بالا و معناداری با این متغیرهاست: تعداد اقامتگاه‌های عمومی و کارگاه‌های صرف غذا و نوشیدنی، تعداد کل جمعیت، تعداد پارک‌های عمومی، تعداد سینماها، تعداد مهاجران وارد شده طی ۵ سال گذشته، تراکم جمعیت، تعداد نمایشگاه‌ها و رویدادها در طول سال در منطقه، وسعت فضای سبز، مساحت پارک‌های عمومی. تنوع متغیرهای توصیف‌کننده این عامل بسیار زیاد است و تمامی آنها نیز ارتباط نزدیکی با آن دارند. از این‌رو این عامل با عنوان «عامل وضعیت مقصد گردشگری» نام‌گذاری و تفسیر می‌شود.

عامل دوم: این عامل ۳۵/۱۶ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. باملاحظه ماتریس عاملی دوران یافته ملاحظه می‌شود که این عامل

«عامل جذب گردشگر» نام برد.

عامل پنجم: این عامل ۵۵/۳ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. باملاحظه ماتریس عاملی دوران یافته ملاحظه می‌گردد که این عامل تنها دارای ارتباط با متغیر «ترخ اشتغال» است و درصد بسیار کمی از واریانس را نیز توصیف می‌کند. برای سطح‌بندی شهرستان‌ها از مدل تحلیل خوشه‌ای و با استفاده از عوامل استخراج‌شده از تحلیل عاملی که حاصل شاخص‌های موضوع پژوهش بودند بهره گرفته شده است. تحلیل خوشه‌ای نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. در پروسه اجرای آن، ابتدا به‌وسیله مدل Hierarchical تعداد خوشه‌ها ۴ عدد به دست آمد؛ اما در وارد کردن آن در مرحله بعد در مدل K-Means با تعداد ۴ خوشه، شاخص Sig. موردنظر برای سنجش اعتبار تعداد شاخص‌ها، بالای ۰/۰۵ بوده و لذا خوشه‌بندی آن معنی‌دار نیست. لذا تعداد خوشه‌ها ۵ در نظر گرفته شد و در مراحل بعدی با تعداد ۵ خوشه اعتبار لازم برای شاخص Sig. زیر عدد ۰/۰۵ نیز تأیید شد؛ بنابراین با ترکیب مدل Hierarchical و K-Means در تحلیل خوشه‌ای، ۵ خوشه حاصل شد. جدول آزمون ANOVA نشان‌دهنده معنی‌دار بودن تعداد خوشه‌ها است که در آن باید شاخص Sig. کمتر از ۰/۰۵ باشد تا ۹۵ درصد اطمینان آزمون حاصل شود، که در جدول ۶ ارائه گردیده است.

بر اساس نتیجه تحلیل خوشه‌ای فوق، نتیجه سطح‌بندی شهرستان‌ها به‌صورت زیر در جدول ۷ به دست آمد. در این سطح‌بندی شهرستان‌هایی که از لحاظ توسعه گردشگری پایدار منطقه‌ای مشابه‌اند در یک سطح قرار گرفته و در یک خوشه کنار هم واقع شده‌اند. بر این اساس ملاحظه می‌شود که رتبه اول توسعه گردشگری در استان خراسان رضوی، به شهرستان مشهد تعلق دارد. شهرستان مشهد با وجود قوی‌ترین جاذبه گردشگری در سطح اول توسعه گردشگری استان قرار گرفته است و در نتیجه بیشترین توسعه را نیز به خود جذب می‌کند و لذا به‌صورت یکتا در رتبه نخست قرار گرفته است و این موضوع نشان‌دهنده عدم تعادل در منطقه و جذب نامتعادل و ناعادلانه منابع به مرکز استان و در نتیجه تجدید بزرگ‌سری در آن است. پس از مشهد در رتبه دوم سطح‌بندی بینالود، گناباد و نیشابور قرار گرفته‌اند. شهرستان بینالود که شامل شهرهای شان‌دیز و طر‌قبه است با قرارگیری در فاصله بسیار کمی از مرکز استان، یعنی مشهد، از مواهب توسعه در آن بهره گرفته است و شهرستان نیشابور نیز به‌عنوان دومین شهر استان در رتبه دوم قرار گرفته و توسعه نسبتاً بیشتری از سایر شهرستان‌ها از لحاظ گردشگری یافته است. در رتبه سوم سطح‌بندی نیز شهرستان‌های بجستان، بردسکن، خواف، درگز، رشت‌خوار و سبزوار قرار دارند که درجه توسعه کمتری نسبت به مرکز دارند. در رتبه

جدول ۶. آزمون ANOVA برای تأیید تعداد خوشه‌ها

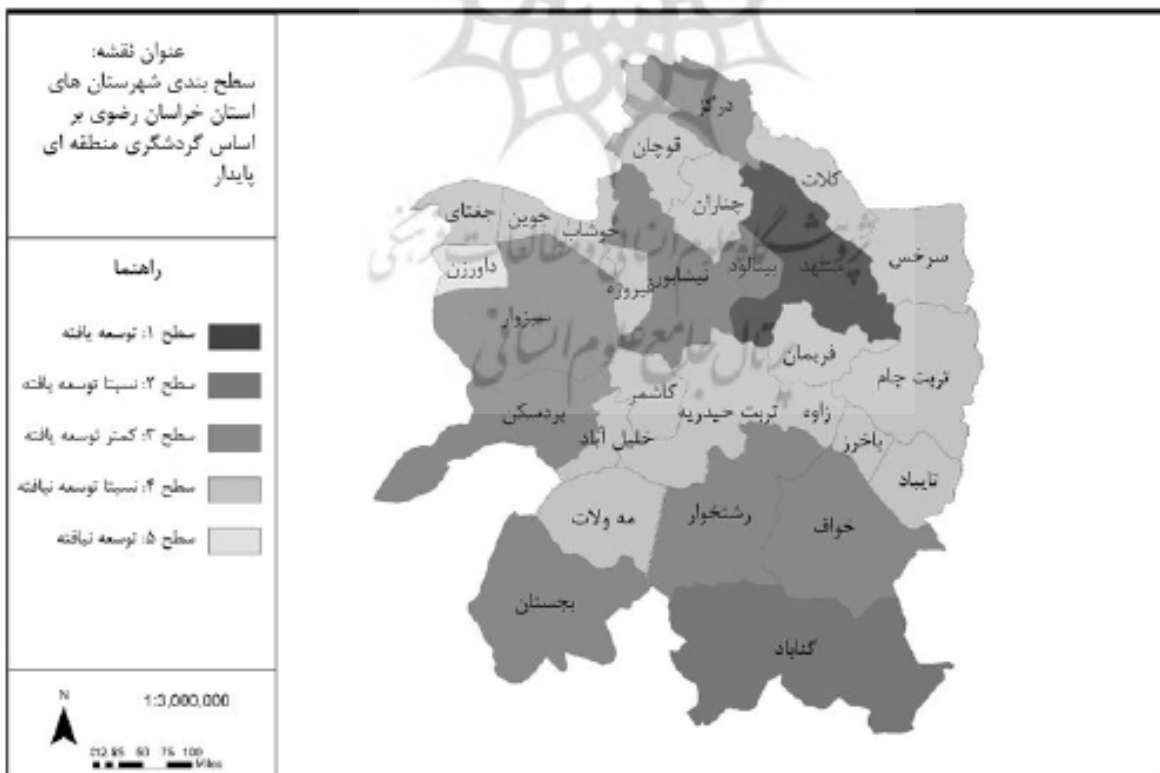
Sig.	ANOVA		REGR factor score
	df	Mean Square	
.000	5	5.284	۱
.000	5	5.267	۲
.000	5	4.478	۳
.000	5	4.203	۴
.000	5	3.506	۵

جدول ۷. سطح‌بندی شهرستان‌ها بر اساس میزان توسعه در گردشگری منطقه‌ای

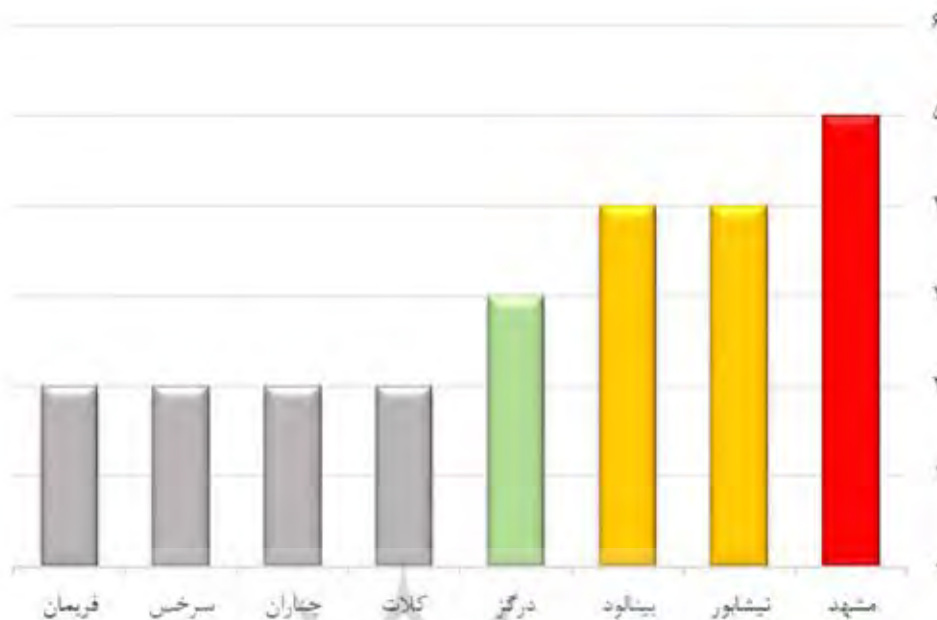
سطح توسعه	شهرستان
سطح ۱ توسعه یافته	مشهد
سطح ۲ نسبتاً توسعه یافته	بینالود، گناباد، نیشابور
سطح ۳ کمتر توسعه یافته	بجستان، بردسکن، خواف، درگز، رشت‌خوار، سبزوار
سطح ۴ نسبتاً توسعه نیافته	باخرز، تایباد، تربت‌جام، تربت‌حیدریه، جغتای، جوین، چناران، خلیل‌آباد، خوشاب، زاوه، سرخس، فریمان، فیروزه، قوچان، کاشمر، کلات، مه ولات
سطح ۵ توسعه نیافته	داورزن

هستند. مقایسه وضعیت شهرستان‌های اطراف مشهد در شکل ۲ نشان داده شده و در نمودار شکل ۳ مقایسه شده است. این مقایسه نمایانگر آن است که شهرستان‌های بینالود و نیشابور به سطح دوم توسعه‌یافتگی ارتقاء یافته‌اند اما سایر شهرستان‌ها نظیر چناران، سرخس فریمان یا کلات از توسعه مرکز بهره‌ای نبرده‌اند. این نابرابری در بهره‌مندی از توسعه نشان می‌دهد که توسعه گردشگری از مرکز به شهرستان‌های پیرامونی با توجه به توسعه بینالود و نیشابور قابلیت تأثیر رو به پایین را دارد. با این وجود نمی‌تواند به‌تنهایی عامل توسعه گردشگری در پیرامون شود و نیازمند عامل خارجی در تحریک و هدایت توسعه به مناطق کمتر توسعه یافته است. این عامل خارجی قطعاً می‌تواند تأکید بر نقش مؤثر برنامه‌ریزان و مدیران منطقه‌ای در امر توسعه در ایران باشد؛ بنابراین با توجه به رویکرد پژوهش حاضر، نظریه مرکز-پیرامون در صورتی می‌تواند در ارتقاء توسعه گردشگری در مناطق پیرامونی و در نتیجه حرکت به سمت تعادل در منطقه را فراهم نماید که برنامه لازم برای آن اجرا شود و در غیر این صورت به‌خودی خود و به‌تنهایی نمی‌تواند در این منطقه به کار گرفته شود.

چهارم شهرستان‌های باخرز، تایباد، تربت‌جام، تربت‌حیدریه، جغتای، جوین، چناران، خلیل‌آباد، خوشاب، زاوه، سرخس، فریمان، فیروزه، قوچان، کاشمر، کلات و مه ولات قرار گرفته‌اند. تعداد زیاد موارد موجود در سطح چهارم به‌خوبی نشانگر عدم تعادل‌های موجود در استان و توسعه‌نیافتگی ناموزون گردشگری منطقه‌ای در آن است؛ و در نهایت، در سطح پنجم نیز داورزن به‌تنهایی قرار دارد که از این حیث توسعه‌نیافته محسوب می‌گردد و نیازمند توجه و رسیدگی بیشتری است. برای درک بهتر وضعیت توصیف‌شده، توزیع فضایی سطح‌بندی گردشگری منطقه‌ای در نقشه شکل ۲ مشخص شده است. توزیع فضایی سطح‌بندی نشان می‌دهد که شهرستان‌های نزدیک مرکز استان توسعه‌یافتگی بیشتری دارند؛ اما شهرستان‌های دورتر از مواهب توسعه کمتر برخوردار شده‌اند. در عین حال شهرستان‌های نزدیک به مرز استان وضعیت بهتری نسبت به سایرین پیدا کرده‌اند. چگونگی ارتباط میان نزدیک بودن به مرز استان و توسعه گردشگری نیازمند مطالعات بیشتری است. این نقشه نشان می‌دهد که با وجود توسعه مرکز استان، شهرستان‌های چسبیده به آن دارای وضعیت متفاوتی



شکل ۲. نقشه سطح‌بندی شهرستان‌های استان بر اساس گردشگری منطقه‌ای پایدار



شکل ۳. وضعیت شهرستان‌های اطراف مرکز

نتیجه‌گیری

سطح بسیار پایینی را داراست. سطوح پنج‌گانه به‌دست‌آمده از تحلیل خوشه‌ای باوجود فاصله بسیار میان هر سطح با سطح بعدی و ایجاد مرکزیت مطلق برای شهرستان مشهد نیز گواه این ادعاست. قرار گرفتن شهرستان مشهد بدون رقیب در جایگاه اول نشانگر عدم تعادل در توسعه گردشگری در منطقه است. علاوه بر آن، تعداد ۱۲ شهرستان در سطح چهارم و ۱ شهرستان در سطح پنجم که پایین‌ترین سطح توسعه گردشگری پایدار منطقه‌ای در استان است نیز نشانگر وضعیت نامطلوب تعادل منطقه است. در نتیجه برای ارتقاء وضعیت تعادل گردشگری در استان پیشنهاد می‌شود که اولاً سرمایه‌هایی که از طریق گردشگری وارد استان می‌شوند به‌صورت متعادل تقسیم شوند و این یعنی در نظریه مرکز-پیرامون این سرمایه‌ها به‌صورت کنترل‌شده با برنامه‌ریزی میان شهرستان‌ها توزیع شود تا متعاقباً با ایجاد پتانسیل توان‌های گردشگری را ارتقاء و جذب گردشگران را افزایش دهد. نکته دوم آنکه نشت توسعه در نظریه مرکز-پیرامون به‌تنهایی در اینجا کفایت نمی‌کند و نیازمند دخالت برنامه‌ریزان است که در این صورت برنامه‌ریزان می‌توانند با دخالت و برنامه‌ریزی صحیح همین امر یعنی انتقال عواید گردشگری از مرکز را به‌درستی به پیرامون منتقل کنند

گردشگری پایدار بستر مناسبی برای نظریه مرکز-پیرامون ایجاد می‌کند تا بتواند در حوزه‌های اصلی موردنظر پایداری، به تحلیل میزان تعادل در منطقه و ایجاد آن کمک نماید. شاخص‌های نظریه مرکز-پیرامون که تأکید اصلی آن بر انتقال سرمایه‌ها و پتانسیل‌های مرکز به مناطق پیرامونی در تلفیق با گردشگری پایدار شاخص‌های ترکیبی را به وجود می‌آورد که در آن گردشگری عنصر اصلی بالقوه مرکز در توسعه پیرامون است و از طریق این شاخص‌های ترکیبی می‌توان پی برد که مناطق پیرامونی تا چه اندازه به دلیل گردشگری مرکز توسعه پیدا کرده‌اند.

نتایج حاصل از این پژوهش قابلیت تعمیم برای سایر پژوهش‌های مشابه را داراست؛ اما باید به این نکته توجه کرد که شاخص‌های ترکیبی به‌دست‌آمده، بر اساس موقعیت ویژه استان خراسان رضوی در گردشگری زیارتی بومی‌شده‌اند؛ لذا در اجرای روش تحلیل عاملی و انتخاب ترکیب شاخص‌ها باید شرایط و بستر منطقه مورد مطالعه مدنظر قرار گیرد. تحلیل‌های صورت گرفته در استان خراسان رضوی نشان داد که تعادل منطقه‌ای در این استان بر اساس گردشگری پایدار

پی‌نوشت‌ها

1. Kwat
2. Rogerson
3. Vojtko
4. Kauppila
5. Nabi
6. Bohlin
7. Core- Periphery Theory
8. Friedmann

فهرست مراجع

۱. اکبری‌سامانی، ناهید؛ بدری، سیدعلی؛ و سلمان، محمد. (۱۳۹۲). ارزیابی گردشگری پایدار روستایی موردشناسی: بخش سامان-شهرستان شهرکرد. *جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای*، ۹، ۳۰-۴۸.
۲. افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ مهدوی، داوود؛ و پورطاهری، مهدی. (۱۳۹۰). ارزیابی پایداری گردشگری در روستاهای تاریخی فرهنگی ایران با تأکید بر پارادایم توسعه پایدار گردشگری. *فصلنامه مطالعات گردشگری*، ۱۴، ۳-۱۳.
۳. امان پور، سعید؛ صالحی، رضا؛ و حمیدی، غلام‌حسین. (۱۳۹۳). بررسی میزان تعادل در نظام شهری استان خوزستان ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵. *دوفصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۱ (۹)، ۳۳-۵۲.
۴. تبریزی، جلال؛ قاسمی، اکرم؛ و مؤذن، سهراب. (۱۳۹۲). تحلیل عدم تعادل فضایی خدمات اقتصادی، اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۴ (۱۳)، ۱۹-۳۴.
۵. تقوایی، مسعود؛ و کنعانی، محمدرضا. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت تعادل فضایی نظام شهری ایران در سطوح ملی منطقه‌ای طی ۶۰ سال اخیر. *مجله علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، ۱ (۱۲)، ۱۶۹-۲۰۰.
۶. زبردست، اسفندیار؛ و حق‌روستا، سمیه. (۱۳۹۴). تحلیل تطبیقی نابرابری‌های منطقه‌ای بین استان‌های هم‌جوار بررسی موردی: استان‌های همدان و مرکزی. *ویژه‌نامه معماری و شهرسازی دوفصلنامه دانشگاه هنر*، ۱۵، ۱۱۳-۱۳۷.
۷. زبردست، اسفندیار؛ و رحمانی، جواد. (۱۳۹۵). تحلیل الگوی سطح‌بندی نظام‌شهری استان زنجان و ارائه الگوی بهینه نظام شهری. *فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۱ (۷)، ۱۶۱-۱۴۳.
۸. مرکز ملی آمار ایران. (۱۳۹۷). *سالنامه آماری استان خراسان رضوی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱*، در بخش سامانه سالنامه آماری دسترسی از

تا توسعه گردشگری در کل استان متعادل شود. لذا نقشه سطح‌بندی می‌تواند راهنمای ارزشمندی برای شناسایی چگونگی نیاز استان‌ها باشد که نشان دهد کدام مناطق نیازمند رسیدگی فوری‌تر هستند و یا کدام مناطق به‌خودی‌خود مستعدترند و با رسیدگی مختصری شکوفا می‌شوند. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد تا برنامه‌ریزی دقیقی برای گردشگری منطقه‌ای استان باهدف نیل به تعادل منطقه‌ای در استان تدوین و اجرا گردد. همچنین بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهادهایی در راستای ارتقاء تعادل منطقه‌ای بر پایه گردشگری پایدار در منطقه در سطور زیر ارائه می‌گردد:

ایجاد مسیرها و پهنه‌های طبیعی و تاریخی مشخص در شهرستان‌های استان بر اساس ظرفیت‌ها و جاذبه‌های موجود در جهت هدایت گردشگران به بازدید از سایر شهرستان‌های استان در کنار گردشگری زیارتی در مرکز استان و همچنین ارتقاء مراکز خدمات رفاهی گردشگری شامل زیرساخت‌ها، شبکه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل و مراکز اقامتی و تفریحی. تشویق به تأمین ملزومات موردنیاز مرکز استان برای گردشگران از درون خود استان و شهرستان‌های آن از طریق تقویت کشاورزی و صنایع موردنیاز این هدف در آنها؛ و در نتیجه پخش عواید حاصل از گردشگری زیارتی در مشهد در تمام سطح استان به‌وسیله افزایش تبادلات و معاملات با سایر شهرهای استان.

پیشنهاد تحقیقات آتی

باوجود پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته در زمینه تعادل منطقه‌ای تاکنون، خلأهای زیادی در زمینه توسعه گردشگری پایدار در پیوند با ارتقاء تعادل منطقه‌ای وجود دارد. غالب تحقیقات انجام‌شده به‌صورت مجزا به موضوع تعادل منطقه‌ای و یا گردشگری پایدار پرداخته‌اند و علاوه بر این در عمل نیز مشکلات عدم تعادل منطقه‌ای در ایران و خصوصاً در استان خراسان رضوی رو به افزایش است. از این‌رو پیشنهاد می‌گردد که اولاً در زمینه تعادل منطقه‌ای و بهره‌گیری از پتانسیل بالای گردشگری استان خراسان رضوی در جهت نیل به آن تحقیقات آتی بیشتر مدنظر محققان قرار گیرد و علاوه بر آن می‌توان توصیه کرد که این پژوهش‌ها در زمینه‌هایی چون مطالعه در سایر نظریه‌های تعادل بخشی که بتواند در ترکیب با گردشگری موجب ارتقاء سطح تعادل در منطقه و پوشش بهتر جوانب موضوع شود، پژوهش در پتانسیل‌ها و توان‌های هر سطح از منطقه به‌صورت مجزا که بتواند ارائه‌دهنده راهکار منحصربه‌فرد برای همان سطح باشد، استعدادیابی گردشگری مناطق کمتر توسعه‌یافته و واپس‌مانده، شناسایی راهکارهای گسترش فعالیت‌های گردشگری در مناطق توسعه‌نیافته و شناسایی راهکارهای پخش سرریز گردشگری به سطوح مختلف منطقه انجام شوند.

- Publishers*, 46 (3), 316-331.
19. Nabi, N., Rashidi, E., Hesari, A., Jeddi, M., & Fatallahzadeh, F. (2016). Strategic Planning of Regional Tourism with Sustainable Development Approach. *Journal of Civil Engineering and Urbanism*, 1 (6), 7-15.
20. Nared, J. (2017). Local Self-government Reforms in Slovenia, Discourse on Centrality and Peripherality. *Nature, Tourism and Ethnicity as Drivers of Marginalization. Perspectives on Geographical Marginality*, 1 (4), 243-256.
21. Neamtu., A., & Neamtu, L., (2012). Sustainable Development of Regional Tourism. *Economy Series*, 1 (2), 56-76.
22. Rogerson, M. (2015). *Tourism and regional development: The case of South Africa's distressed areas*. Development Southern Africa (Routledge), 3 (32), 277-291.
23. Sharpely, R. (2002). *Tourism: A Vehicle for Development?* In Sharpely, R., Telfer D. J. (Eds.) *Tourism and Development: Concepts and Issues*. (Vol.2, pp. 11-34) Clevedon, England: Channel View Publications.
24. Swarbrooke, J. (1999). *Sustainable Tourism Management*. New York: CABI.
25. Teha L., & Cabanban, A. S. (2007). Planning for sustainable tourism in southern Pulau Banggi: an assessment of biophysical conditions and their implications for future tourism development. *Journal of environmental management*, 85 (4), 999-1008.
26. Telfer, D. J. (2002). *Tourism and Regional Development Issues*. In Sharpely, R., Telfer D. J. (Eds.) *Tourism and Development: Concepts and Issues*. (Vol.2, pp. 112-148) Clevedon, England: Channel View Publications.
27. Vojtko, V. (2015). Tourism & Hospitality - sustainability and responsibility. *Profess Consulting s. r. o.*, 7 (33), 128-160.
28. Weaver, D. (2006). *Sustainable tourism: Theory and Practice*. Burlington: Elsevier.
29. Wray, M., Dredge, D., Cox, C., Buultjens, J., Hollick, M., Lee, D., Pearlman, M., & Lacroix, C. (2017). Sustainable Regional Tourism Destinations: Best Practice for Management, <https://nnt.sci.org.ir> / مرکز ملی آمار ایران به نشانی / *yearbook*.
۹. سرائی، محمدحسین؛ مویدفر، سعیده؛ و بیرانوندزاده، مریم. (۱۳۸۹). صنعت گردشگری گامی نوین در جهت توسعه منطقه‌ای. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، کنفرانس بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام. فروردین ۲۵-۲۸، (ص ۲۰-۳۴). زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۰. ضیاءآبادی، مریم؛ زارع مهرجردی، محمدرضا؛ جلائی، سید عبدالمجید؛ و مهرابی بشرآبادی، حسین. (۱۳۹۵). سنجش گردشگری پایدار با استفاده از شاخص ترکیبی پایداری و مدل برنامه‌ریزی ریاضی. *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۳(۲)، ۷۷-۱۰۰.
11. Bohlin, M., Brandt, D., & Elbe, J. (2016). Tourism as a vehicle for regional development in peripheral areas—myth or reality? A longitudinal case study of Swedish regions. *European Planning Studies*, 24 (10), 1788-1805.
12. Friedmann, J. (1967). A General theory of polarized development. *Santo Domingo*, 504 (81), 1-78.
13. Ivanna, H. (2015). Methods for determination of synthetic indicators of the assessment of the regional tourism development. *Austrian Journal of Humanities and Social Sciences*, (1-2), 204-206.
14. Kauppila, P., Saarinen, J., & Leinonen, R. (2009). Sustainable tourism planning and regional development in peripheries: A Nordic view. *Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism*, 9 (4), 424-435.
15. Kwat, N. (2017). Balanced Regional Development: Meaning and Considerations. *Journal of Tourism*, 27 (1), 33-43.
16. Pedersen, A. (2016). *Frameworks for Tourism as a Development Strategy* In McCool, S., & Bosak, k. (Eds.) *Reframing Sustainable Tourism*. (Vol.2, pp. 53-73). Netherlands: springer.
17. Miller, G. (2001). The development of indicators for sustainable tourism: results of a Delphi survey of tourism researchers. *Tourism management*, 22 (4), 351-362.
18. Moore, T. (1994). Core-Periphery Models, Regional Planning Theory, and Appalachian Development. *Blackwell*

Development and Marketing. *Australia: CRC for Sustainable Tourism Pty Ltd*, 4 (21), 33-100.

30. Wu, C. (2017). *Periphery, borders and regional development* In Rangan,H., Kam,M. N. (Eds.) *Insurgencies*

and *Revolutions: Reflections on John Friedmann's Contributions to Planning Theory and Practice*. New York: Routledge (Vol.23, pp. 73-84).



Regional Equilibrium Analysis Based on the Combined Indices of Core-Periphery Theory and Sustainable Tourism (Case Study of Khorasan-e-Razavi Province)

Zeinab Mirsondosi, M.A., Regional Planning, College of Fine Arts, University of Tehran.

*Behnaz Aminzadeh**, Ph.D., Professor of Urban Planning, College of Fine Arts, Tehran University.

Abstract

One of the important issues in regional planning is the lack of attention to the inner strengths of the region and, therefore, its dependence on neighboring areas, while it itself has the power and capacity to be an environment for different activities such as tourism. Studies show little equilibrium in regional development in Iran in the last 50 years and this has created certain problems and issues for the spatial structure of cities and villages. The first step to face this problem is to evaluate a region according to its capacities and the way it benefits from them and then to provide a plan for enhancing or creating regional equilibrium, to help ordering the spatial structure of settlements in the region and to prevent some of the cities to grow unreasonably large. Sustainable tourism is a powerful tool for developing the regions and balancing them to an equilibrium point. Therefore, the purpose of this study is to examine how to use the sustainable tourism potential of a region in combination with the Core-Periphery planning theory for examining the region and, as a result, bringing it to a regional equilibrium. To this end, the conceptual model of this research and the indicators were developed using the meta-analysis method and then, they were rated using two methods of factor analysis and cluster analysis of Khorasan-e-Razavi province. The regional equilibrium is measured based on the sustainable tourism potential and is presented using the GIS software on the map of the province. The results of the research include providing a conceptual model for measuring regional equilibrium and paying attention to sustainable tourism potential. The research findings in the sample section show that Khorasan-e-Razavi Province does not have a sustainable balance for using the sustainable tourism potential of the province. Positioning Mashhad in the first place and 18 other cities at the lowest levels of tourism indicates an imbalance of the region which acts as a major factor in the collapse of the spatial order of the province on the one hand and causes the rapid and unpredictable growth of Mashhad on the other hand. In other words, tourism acts as an important factor in the collapse of the regional balance. Finally, in order to enhance tourism equilibrium in the province it is suggested that, first, all wealth gained for the province must be distributed in a balanced way, and second, development spread in the Core-Periphery theory is not sufficient on its own and the intervention of planners is also required. Therefore, through proper intervention and planning, planners can help to transfer tourism revenues from core to periphery to balance tourism development all over the province. So, the cities' rating and its spatial map provided in this paper are proper guides for finding the needs of the province by showing the parts in need of more consideration and those that are fertile and will flourish with a brief attention. Moreover, based on the results, some specific suggestions are put forward for enhancing the province equilibrium.

Keywords: Regional Balance, Sustainable Tourism, Factor Analysis, Cluster Analysis, Khorasan-e-Razavi Province.

* Corresponding Author Email: Bgohar@ut.ac.ir